

به نام خدا

خطبه های نماز جمعه: ۱۳۹۸/۰۸/۰۳

خطیب نماز جمعه: حجه الإسلام و المسلمین ابوترابی فرد

خطبه اول :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَ قَرَّبَ قَشَدَ النَّجْوَى ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ وَ الرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

شما برادران و خواهران گرانقدر و خویشان و ملت عزیز را به آراستگی تقوا توصیه می‌کنم.

در روزهایی که با نام و یاد و راه روشن و نورانی و خصائص برجسته‌ی اخلاقی پیامبر اعظم همراه است، به یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین جلوه‌های تقوا که پیامبر اعظم نماد فاخر و برجسته‌ی آن هستند اشاره کنم؛

این ویژگی که برادر ارجمندم جناب مُستطاب حضرت آقای اختری نیز به شایستگی به او پرداختند، ویژگی و جایگاه و خصیصه‌ی "نصح" در سیره‌ی مدیریتی پیامبر اسلام است.

قال رسول الله: "مَنْ لَّا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ وَ مَنْ لَمْ يُصِيحْ وَ يُمْسِ نَاصِحًا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِإِمَامِهِ وَ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ"

نصیحت، انتقاد متقابل، از ویژگی‌های برجسته‌ی انسان‌های تربیت یافته در مدرسه‌ی دین است. واژه‌ی نصیحت از ماده‌ی نصح به معنای خالص، بی غل و غش بودن. هر کس درباره‌ی دیگران خالص، بی غل و غش باشد و منافع فرد، مصالح جامعه را مد نظر قرار دهد، اهل نصیحت است.

راغب اصفهانی می‌نویسد: نصیحت ابراز عمل یا گفته‌ای است که صلاح نصیحت شونده در آن باشد. ابن فارس درباره‌ی این واژه آورده است، به خیاط ناصح می‌گویند، خیاط در ادبیات عرب ناصح است زیرا دو طرف پارچه را با هم می‌دوزد و گره می‌زند لذا در مقام نصح به دو رکن کلیدی باید توجه داشت یک خیرخواهی؛ انسان ناصح، انسان منتقد باید با قلبی لبریز از محبت در مقام خیرخواهی باشد نه در مقام مچ‌گیری، در مقام ارائه‌ی راه و هدایت باشد و رکن دوم توجه به این اتصال و پیوند است، تحکیم پیوندهای جامعه، پیوندهای اجتماعی، پیوندهای قلبی. اگر دیدید

جامعه در این حوزه در معرض آسیب است، بدانید انسان های آراسته به ایمان، به رسالت خود به عنوان ناصح توجه نکرده‌اند لذا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به زیبایی به این دو رکن اشاره می‌کند می‌فرماید: "النَّصِيحُ ثَمَرَةُ الْمَحَبَّةِ" اگر انسان اهل محبت بود، انسان ها را دوست داشت، دغدغه‌ی هدایت و رستگاری جامعه و مدیران را داشت، منتقد و ناصح می‌شود. "ثَمَرَةُ الْمَحَبَّةِ" بعد می‌فرماید: "النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوَدَّ" این نقد، این نصیحت که از قلب لبریز از محبت برآمده است دوستی خلق می‌کند نه شکاف، وحدت می‌آفریند نه اختلاف.

ما نیازمند به این نقد و نصح در جامعه هستیم. نصیحت زمامداران، مدیران، مسئولین مؤمن، دلسوز برای مردم و نصیحت آحاد جامعه، جامعه‌ی علمی و دانشگاهی، اهل نظر، اهل فکر، برای زمامداران. این مسیر راه پیامبراعظم و مسیر سعادت جامعه است. نصیحت به معنای خیرخواهی و انتقاد از نشانه های یک جامعه‌ی سالم و مدیریت صحیح است لذا در کلام نورانی پیامبراعظم می‌فرماید: "الدِّينُ النَّصِيحَةُ" این روایت را مثل روایت قبلی مجامع روائی شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند. صحیح مسلم، سنن، وسائل الشیعه، بحار الانوار که پیامبر اکرم فرمود: "الدِّينُ النَّصِيحَةُ، الدِّينُ النَّصِيحَةُ، الدِّينُ النَّصِيحَةُ" حقیقت دین در نصیحت نسبت به یکدیگر معنا و تجلی پیدا می‌کند سه بار تکرار می‌کنند.

"رَأْسُ الدِّينِ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَ لِدِينِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ لِلْمُسْلِمِينَ عَامَّةً" اساس دین بر این خصیصه‌ی عالی انسانی و اخلاقی نهفته است. امر به معروف و نهی از منکر از مقام نصیحت الهام می‌گیرد. وجود مبارک اباعبدالله الحسین (علیه السلام) چون ناصح امت هستند نمی‌توانند در برابر انحراف جامعه بی تفاوت باشند. نظام اسلامی نمی‌تواند در برابر امت اسلام، ملت ایران بی تفاوت باشد. خیرخواهی از شاخصه های کلیدی یک انسان و یک نظام اسلامی است.

دهخدا ذیل کلمه‌ی نصیحت می‌نویسد به درستی گفته اند که (مُلک بی نصیحت نتوان نگاه داشت) مُلک را بدون نصیحت نمی‌توان نگاه داشت لذا باید زمامداران، مدیران و حاکمان به این اصل کلیدی توجه ویژه‌ای بنمایند.

پیامبر اکرم در حج الوداع در مسجد خیف می‌فرمایند: سه خصلت از قلب هیچ انسانی نباید فارغ باشد هر انسانی باید به این خصائص سه گانه آراسته باشد:

۱- خالص کردن عمل برای خدا

۲- نصیحت پیشوایان مسلمان

۳- همراه بودن با جماعت مسلمانان.

این ها وحدت آفرین است و سرمایه‌ی نظام اسلامی، وحدت و انسجام ملی و اسلامی است.

رابطه‌ی زمامداران و مردم باید بر اساس نصیحت و انتقاد متقابل استوار شود. مردم از سر خیرخواهی زمامداران را نصیحت کنند و معایب و محاسن آن‌ها را گوشزد بکنند و زمامداران خود را مصون از خطا نیابند و پذیرای نصیحت و انتقاد باشند. جان به قربان تو امیرمؤمنان علی بن ابی طالب فرمود: "لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَيْسُوا بِنَاصِحِينَ وَلَا يُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ" جامعه مردمی که ناصح نیستند، اهل نقد عالمانه و منصفانه نیستند و نصیحت کنندگان و منتقدان را دوست نمی‌دارند، این جامعه راه به سعادت نمی‌برد. اَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

" بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ"

خطبه دوم :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِيِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ وَ الرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحَيْكَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَخِي نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ وَ صَلِّ عَلَى سَيِّدَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

یاد فقیه مصلح، ناصح دلسوز، سیاستمدار صادق و استوار و بصیر، بازوی قدرتمند رهبر معظم و عالی‌قدر انقلاب اسلامی، سکان دار هوشمند مجلس خبرگان رهبری، حضرت آیت الله مهدوی کنی (قدس الله نفس الزکیه) را گرامی می‌داریم. امیدوارم خدای بزرگ این فقیه برجسته را با پیشوایان معصوم دین محشور دارد. برای فرزند برومند امام، فقیه بصیر و زاهد و شجاع،

امید امام بزرگوار حضرت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (أعلى الله مقامه) از خدای متعال علو درجات مسئلت دارم.

در این خطبه اولاً از ملت عراق و دولتمردان برآمده‌ی از اراده‌ی ملت عراق در این کشور در مدیریت شایسته‌ی مراسم انسان ساز و اقتدار آفرین و الهام بخش اربعین حسینی تشکر داریم. امیدوارم این حرکت انقلابی، الهی، سیاسی، عبادی راه را برای وحدت امت اسلام در مسیر تحقق اهداف عاشورا در سراسر دنیای اسلام هموار بنماید.

در آغاز خطبه با توجه به آئین آغاز رسمی سال تحصیلی در دانشگاه تهران و در این نقطه به چند نکته اشاره می‌کنم؛

الف- به نظر حقیر باید صدای دانشگاهیان به ویژه دانشجویان شنیده شود و اجازه دهیم تشکّل های دانشجویی منقطه نظارت خود را در مورد مسائل کشور در حضور روسای محترم قوا مطرح بنمایند. این درسی است که از آغاز انقلاب از سکان دار هوشمند انقلاب اسلامی آموخته‌ایم.

ب- همان طور که سیاست ها و تصمیم های اخیر بانک مرکزی در حوزه‌ی بازار ارز مورد حمایت قاطبه‌ی جامعه‌ی علمی و دانشگاهی است بعضی از سیاست ها و تصمیمات اقتصادی دولت مورد نقد جدی جامعه‌ی دانشگاهی و علمی است و این نقد به معنای نقد دانشگاه نیست باید به این نقد توجه داشت و نصیحت برآمده از عقلانیت و علم را به عنوان نقشه راهی مورد توجه قرار داد.

ج- این سخن که "عده ای در تعامل سازنده با دنیا و عده‌ای بر تقابل مستمر بر جهان تأکید دارند" قرین انصاف نیست.

اینجانب یک چهره عالم، متعهد و سیاستمدار را نمی‌شناسم که معتقد به تقابل مستمر با جهان در مقابل با نگاه تعامل سازنده با دنیا باشد. چگونه در نهاد علم و دانشگاه این سخن قابل طرح است؟ در چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی که از بالاترین عقبه علمی و کارشناسی برخوردار است و حدود ۱۴ سال قبل رهبر انقلاب ابلاغ نموده‌اند تا نقشه راه ملت و دولت باشد، در حوزه سیاست خارجی و تقویت روابط خارجی آمده است که گسترش همکاری های دو جانبه منطقه ای و بین المللی، ادامه‌ی پرهیز از تشنج در روابط با کشورها. کدام سیاستمدار، کدام جریانی مقابل این تفکر اعتقاد دارد به تقابل مستمر با جهان؟ راهبرد ادامه‌ی پرهیز از تشنج در روابط با کشورهاست.

۳- تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم.

۴- توجه کنید بهره گیری از روابط برای افزایش توان ملی این راهبرد ماست. مقابله با افزون خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، باید مقابل او ایستاد. تلاش برای رهایی منطقه از حضور بیگانگان، از حضور آمریکا که موجب ارتقاء امنیت و اقتدار ملت ایران و امت اسلام است. مقابله با تک قطبی شدن جهان لذا با صراحت می توان گفت: "راهبرد جمهوری اسلامی ایران که مورد حمایت آحاد ملت و جریان های سیاسی است تعامل سازنده با جامعه جهانی است" این استراتژی آمریکا و رژیم صهیونیستی است که از آغاز حرکت انقلابی ملت ایران و شکل گیری نظام اسلامی به جنگ افروزی و تقابل مستمر با جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این راهبرد آمریکاست که امروز به راهبرد رئیس جمهور آمریکا در برابر جامعه جهانی تبدیل شده است. تقابل مستمر با جهان، راهبرد آمریکاست. ملت عزیز ما، جریان های سیاسی، از هر گروه و جناح از این فکر پاکیزه هستند و اما امروز عامل بازدارندهی آمریکا که جنگ افروز دیروز بود، از تعرض به جغرافیای ایران اسلامی، قدرت دفاعی پر افتخار، جبهه‌ی مقتدر مقاومت اسلامی، وحدت و انسجام ملی ملت ایران است که از اندیشه‌ی سیاسی الهی امام بزرگوار و منطق عقلانی و علمی و وحیانی رهبر معظم انقلاب اسلامی الهام گرفته است.

به گمان حقیر آمریکا و رژیم صهیونیستی و کشورهای همسو با آن ها فقط یک زبان را می فهمند و آن زبان قدرت است.

کشورهایی که می خواهند از منافع ملی خود در برابر این زیاده خواهان دفاع کنند باید به قدرت سیاسی، علمی، دفاعی، اقتصادی آراسته گردند و با زبان برآمده از اقتدار حافظ منافع خویش باشند.

ملت ایران با زبان منطق، اقتدار برآمده از ایمان و متکی بر توانایی های علمی، سیاسی، دفاعی با قدرت های جهان گفتگو می کند. اگر می خواهیم از ظرفیت دانشگاه استفاده کنیم و آنان را برای پاسخ به مسائل کلیدی و سوالات اساسی فراخوان بنمائیم گمان می کنم این سوالات قابل طرح است:

۱- چگونه می توان با کمترین استقراض از نظام بانکی و بانک مرکزی دوران تحریم را به فرصتی برای شکوفایی اقتصاد ملی تبدیل کرد؟

۲- چگونه می‌توان با یک برنامه‌ی میان مدت رشد نقدینگی سرسام آور را که کلیدی‌ترین مسئله‌ی اقتصاد ملی است مهار نمود؟

۳- چگونه می‌توان از این حجم بزرگ نقدینگی با کمترین هزینه برای خلق ثروت، رشد تولید و اشتغال و رشد اقتصادی بهره گرفت؟

این‌ها باید سوالات کلیدی دولت محترم و فراهم آوردن زمینه مناسب برای استماع پاسخ‌ها و توجه به آن باشد اما با توجه به آن که در آستانه‌ی تدوین لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۹۹ می‌باشیم و لایحه‌ی بودجه، آئینه‌ی چگونه اداره نمودن کشور است. در حوصله‌ی وقت به پیشنهادهای برای سیاست‌گذاری صحیح و راهکارهای اجرائی می‌پردازم؛

با عنایت به تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اصلاح ساختاری بودجه، با تأکید بر قطع وابستگی بودجه با نفت و اراده‌ی سازمان برنامه و بودجه برای عملیاتی نمودن این مهم که گامی ارزشمند و تحسین برانگیز است. به نظر می‌رسد شایسته است برای فراهم آوردن زمینه‌ی قطعی قطع وابستگی نفت و بودجه تمامی درآمدهای حاصل از فروش نفت به صندوق توسعه‌ی ملی واریز گردد. تمام درآمدها را به صندوق توسعه‌ی ملی واریز کنید.

کسری واقعی بودجه را با تحلیل دقیق هزینه‌های واقعی کشور تبیین بنمائید. با تبیین هزینه‌های واقعی کشور، درآمدهای واقعی و پایدار غیر نفتی را رصد کنید، آن‌گاه کسری بودجه برای اداره کشور روشن می‌گردد. برای تأمین کسری بودجه مجلس محترم به دولت اجازه‌ی فروش اوراق را بدهد، هر مقدار از اوراق که در بازار به فروش رفت برای تأمین کسری بودجه به کار بسته شود. اوراق باقی مانده را صندوق توسعه ملی خریداری کند و منابع آن را بدون سود در اختیار دولت قرار بدهد. این اقدام موجب می‌شود؛ اولاً کسری واقعی بودجه را تشخیص دهیم، بودجه‌ی ما تراز نیست با فروش سرمایه بودجه را تراز می‌کنیم. کسری واقعی بودجه باید شفاف شود. ثانیاً دولت، نمایندگان محترم با شفافیت به میزان تعهداتی که به صندوق توسعه ملی دارند وقوف پیدا می‌کنند لذا اولاً در مدیریت هزینه‌ها، ثانیاً برای دستیابی به درآمدهای پایدار قدم بر می‌دارند.

پیشنهاد دوم- درآمدزایی پایدار با توجه به ضرورت و اهمیت قطع رابطه‌ی نفت و هزینه‌های بخش عمومی کشور، اقدام برای افزایش درآمدهای مالیاتی ضرورتی اجتناب ناپذیر است البته اکیداً یادآور

می‌شوم منظور مالیات هایی است که باید صاحبان ثروت و درآمد انبوه پرداخت کنند، باید مراقب بود حوزه‌ی مهم تولید، اشتغال آسیب نبیند و کسبه‌های جزء قربانی نشوند.

برای رسیدن به این مهم اقدامات زیر ضروری است:

۱- جلوگیری از فرار مالیاتی: از طریق اجرایی کردن ماده‌ی ۱۶۹ مکرر، داده‌ی سازمان امور مالیاتی از طریق همکاری و هماهنگی قوا، قوه قضاییه، نیروی انتظامی، بانک مرکزی و نظام بانکی کشور باید یکپارچه و کامل بشود. این اطلاعات زمینه را برای بررسی تراکنش‌های بانکی، برای دریافت مالیات از صاحبان ثروت هموار می‌کند.

۲- اصلاح پایه و نرخ‌ها و افزایش پوشش مالیاتی

۳- کاهش معافیت‌های مالیاتی مانند؛ حذف معافیت بر درآمد حاصل، بر درآمد حاصل! فروش نفت خام یک بحث است، درآمد حاصل از آن بحث دوم است. حذف معافیت بر درآمد حاصل از صادرات مواد خام یا با ارزش افزوده پایین. حذف معافیت بر درآمد حاصل از فعالیت‌های هنری و فرهنگی که ماهیت تجاری دارند.

پیشنهاد دیگر توجه به یارانه‌ی بودجه‌ای و فرا بودجه‌ای پنهان در سال ۱۳۹۸ است توجه کنید برادران، خواهران گرانقدر حدود یک هزار و سیصد هزار میلیارد تومان یعنی عددی تقریباً معادل بودجه‌ی کل کشور ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان امروز یارانه‌های پنهان کشور است. یارانه‌ی انرژی و غیر انرژی، حالا نامش را در اصطلاحات علمی و دانشگاهی ممکن است یارانه نگذارند، ما در نام بحثی نداریم. بحث این است که این عدد بزرگ در اقتصاد کشور‌های همسایه‌ی شرقی ما و در اقتصاد کشور همسایه‌ی غربی ما وجود ندارد، در اقتصاد ایران این عدد بزرگ وجود دارد.

باید باید نظام مدیریتی و علمی و دانشگاهی کشور برای استفاده از این ظرفیت بزرگ و فرصت بی‌بدیل برای رفع فقر، بی‌عدالتی، حمایت منطقی و درست از اقشار ضعیف و متوسط و تحریک اقتصاد و حمایت عالمانه از تولید استفاده بنماید، باید با اجماع نخبگان علمی و سیاسی آقایان، خانم‌ها بدون اجماع نمی‌شود مسائل اساسی کشور را حل کرد. جوانان عزیز، جریان‌های سیاسی با دعوا و نزاع مسائل اصلی کشور بر زمین می‌ماند. هر جریانی به قدرت برسد تفاوتی نمی‌کند ببینید تاریخ ۴ دهه گذشته را؛ این رشد نقدینگی که در این دولت محترم نزدیک دو تریلیون میلیارد تومان شده است در دولت‌های گذشته هم با همین شتاب رشد کرده

است. این عددهای درشت در اقتصاد ورود پیدا کرده اما منتهی به رشد و شکوفایی اقتصاد مالی نشده است، نتوانسته است فقر را از جامعه ریشه کن بنماید. باید با اجماع نخبگان علمی و سیاسی، دولت محترم هنر شما خلق این اجماع است و حقیر با تجاربی که دارم عرض می‌کنم قطعاً این اجماع را اگر نگاه، نگاه نصیحت و خیرخواهی باشد می‌توان خلق کرد.

باید باید با اجماع نخبگان علمی و سیاسی مدیران و مسئولین کشور را برای یک تحول بزرگ آماده ساخت. دوران روزمرگی، ندانم کاری، فرصت سوزی به پایان رسیده است. نیازمند به اراده‌ی مبتنی بر علم و عزم برآمده از ایمان و مشارکت عمومی و وحدت ملی برای تحول هستیم. نیازمند اقدام عاجل علمی و منطقی می‌باشیم. ما اگر می‌خواهیم در مسیر پاسخ به نیازهای اساسی مردم قدم برداریم باید این حوزه‌ها را مورد توجه جدی قرار بدهیم. به ۲ راهکار اجرایی گذرا اشاره می‌کنم:

یک) پرداخت به ذی نفع نهایی یک اصطلاحی است امروز اراده‌ی دولت هم مبنی بر انجام این مهم است. پرداخت به ذی نفع نهایی به دولت این اجازه را می‌دهد که هزینه‌های واقعی کشور را رصد کند، متوجه بشود که هزینه‌های واقعی کشور در چه اندازه‌ای است. امروز مردم عزیز، جوانان، خانم‌ها، آقایان، دولت از هزینه‌های واقعی کشور اطلاع شفاف و دقیق ندارد.

در حال حاضر دولت اعتبارات دستگاه‌ها را به صورت سرجمع به آن‌ها تخصیص داده و دستگاه‌ها در مورد نحوه‌ی پرداخت به ذی نفع نهایی تصمیم می‌گیرند. رئیس دستگاه تصمیم می‌گیرد نه دولت! باید دولت از نحوه‌ی دقیق و شفاف هزینه‌های خود اطلاع داشته باشد. به دلیل نبود شفافیت در مصارف دولت، ابزار کار آمد برای نظارت مالیاتی و برای نظارت مالی و عملیاتی حین اجرای بودجه در اختیار دولت نیست و امکان مدیریت هزینه‌ها وجود ندارد، موجب انحراف بودجه از اهداف مصوب طبق صلاح دید دستگاه اجرایی و نرسیدن بودجه به ذی نفع نهایی تعریف شده‌ی در قانون می‌گردد.

راهکار اجرایی این است که در گام اول در اسرع وقت پرداخت‌ها صرفاً توسط خزانه داری کل و مستقیماً به ذی نفع نهایی انجام بشود. پرداخت‌ها از منابع عمومی قدم اول، هر قرانی که از منابع عمومی پرداخت می‌شود باید از خزانه داری کل پرداخت بشود.

گام دوم؛ اعتبارات اختصاصی دستگاه های اجرایی مشمول این فرآیند گردیده و خزانه داری کل کشور بر مبنای درخواست ایشان از درآمدهای اختصاصی این دستگاه کسر و به حساب ذی نفع نهایی واریز کنند تا بدانیم چه خبر است در کشور؟ مردم عزیز با این مشکلات اقتصادی مدیران ارشد کشور اطلاع درست از نحوه ی هزینه منابع ندارند.

گام سوم که شاید منشأ تحولی بزرگ بشود آن است که این فرآیند برای منابع شرکت های دولتی نیز اجرا بشود.

پروردگارا ما را در راهی که مورد رضای توست هدایت بفرما. مسئولین کشور را با علم و ایمان و عزم و بصیرت، موفق به اداره ی شایسته ی کشور بنما و ما را با توجه به ظرفیت های فراوانی که داریم در کوتاه ترین زمان در جایگاه علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که نظام اسلامی شایسته ی آن است قرا ده.

" بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ* اللّٰهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ* وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ"